



قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،  
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

## عنوان:

آهنگ‌پذیر بودن قرآن و تناسب معنایی آهنگ‌ها در کلام استاد

شهید مطهری (رحمت الله علیه)

| شناسنامه مطلب                                  |         |
|------------------------------------------------|---------|
| m-f-78                                         | کد مطلب |
| مهارتی/فرهنگی/قرآن و عترت/اهداف و رویکرد/قرآنی | رده     |
| تلاوت زیبای قرآن، آهنگ قرآن، موسیقی قرآنی      | برچسب   |
|                                                | توضیحات |

پایگاه ترکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نمو

nomov.ir

## استاد شهید مطهری، کتاب نبوت، ص ۲۲۸ تا ص ۲۳۳:

## آهنگ‌پذیری قرآن

مسأله دیگری که مربوط به سبک قرآن است و از قدیم مورد توجه بوده است مسأله آهنگ‌پذیری قرآن است. این خیلی عجیب است. تا آنجا که در زبانها نشان داده‌اند، جز شعر چیز دیگری آهنگ نمی‌پذیرد. آهنگ واقعی که یک نفر موسیقیدان بتواند برای آن آهنگ بسازد؛ شعر است که آهنگ می‌پذیرد. البته هر نثری را می‌شود با آواز بلند خواند اما آن کسی هم که آهنگها را نمی‌شناسد می‌فهمد که اگر این را ساده بخوانند بهتر از آن است که با آواز بخوانند. ولی یک نثر آهنگ‌پذیر آن نثری است که وقتی آن را با آهنگ می‌خوانند آن را بهتر بیان می‌کند تا وقتی که ساده می‌خوانند. به این می‌گویند آهنگ‌پذیری، یعنی آهنگ، آن را بهتر می‌تواند بیان کند از غیر آهنگ.

قرآن [از نظر قالب] شعر نیست، چون نه وزن دارد نه قافیه و نه هجاهایش هماهنگ با یکدیگر است. از نظر محتویات هم، چون شعر اصلاً به تخیل بستگی دارد، تخیل در آن نیست، آن تشبیهات و خیالات شاعرانه در آن نیست. قرآن یگانه نثر آهنگ‌پذیر است. همین قرائتهایی که می‌خوانند - کسانی که اهل قرائت هستند - با آهنگ می‌خوانند. حالا شما یک کلام دیگر، خود خطبه‌های پیغمبر را بیایید با آهنگ بخوانید، اصلاً نمی‌پذیرد. خطبه‌های نهج البلاغه را شما بیایید با آهنگ بخوانید، نمی‌پذیرد. هر کلام نثر عربی یا فارسی را بیایید با آهنگ بخوانید، نمی‌پذیرد. تنها قرآن است که آهنگ‌پذیر است و این همان مطلبی است که از صدر اسلام به آن توجه شده است.

اینکه توصیه شده است که قرآن را به صوت حسن بخوانید برای همین بوده است که در قرآن چنین استعداد و پذیرشی بوده و با آهنگ، بهتر می‌توانسته است خودش را نشان بدهد و نمایان کند. در اخبار زیادی داریم<sup>۱</sup>: «تَغْنُوا بِالْقُرْآن» غنا بخوانید با قرآن. اینجا علما بحث کرده‌اند که غنا که حرام است، با اینکه غنا حرام است پس چطور دستور داده شده که «تَغْنُوا بِالْقُرْآن»؟ بعضی آمده‌اند تعبیر خیلی سخیفی کرده‌اند، و البته علما رد کرده‌اند، گفته‌اند شاید این «تَغْنُوا» از ماده غنا به مد نیست، از ماده غنی به قصر

۱- مرحوم فیض اینها را در مقدمه تفسیر صافی آورده و معروف است و علمای فقه هم راجع به اینها بحث کرده‌اند.

است؛ یعنی بی‌نیاز شوید به قرآن. جواب داده‌اند که عرب هرگز این کلمه را با تعبیر «تَغْنُوا» نمی‌گوید، اِسْتَعْنُوا می‌گوید. ما یک «تَغْنَى» داریم و یک «استغناء».

«بی‌نیاز بشوید» را با «اِسْتَعْنُوا» بیان می‌کنند نه با «تَغْنُوا». این بدون شک تَغْنَى است، منتها جواب داده‌اند که هر آواز خوش و لطیفی که احساسات را برانگیزد، به معنی اَعْمُ غناست، ولی غنای مذموم آن غنایی است که احساسات شهوانی انسان را برمی‌انگیزد، آن چیزهایی است که وقتی پیدا شد عقل انسان را خفیف و سبک و کوچک می‌کند؛ اما اگر چیزی احساسات عالی و لطیف انسان را برانگیزد که عقل انسان را قوی و روشن و ضمیر انسان را روشنتر کند، اشک انسان را جاری کند، انسان را به یاد خدا بیندازد، این هم غناست چون با احساسات انسان سر و کار دارد اما غنای مذموم نیست. ما از لفظ «غنا» که نباید وحشت داشته باشیم، از مورد غنا باید وحشت داشته باشیم.

بعلاوه ما می‌دانیم که از همان صدر اسلام عملاً این عنایت بوده است که قرآن را با آواز خوش بخوانند و خوش‌آوازه‌های صحابه پیغمبر می‌آمدند و قرآن را می‌خواندند. حتی خود پیغمبر اکرم گاهی اصحاب را می‌گفت قرآن را بر او بخوانند. خودش قرآن بر او نازل شده بود، او که قرآن را می‌دانست، ولی انسان از شنیدن قرآن لذتی می‌برد که از دانستن آن قهراً آن لذت را نمی‌برد چون خود شنیدن موضوعیت دارد، آن برای دانستن که نیست، برای فکر نیست. فکر می‌داند، چیزی را که می‌داند دیگر تکرارش لغو است. ولی دل هرچه [قرآن خواندن] تجدید شود می‌خواهد احساساتش تحریک گردد. بسیاری از اوقات خود پیغمبر اکرم بعضی از صحابه را امر می‌کردند که قرآن را باز کن برای من بخوان و او قرآن می‌خواند و پیغمبر اکرم گوش می‌کردند.

عبداللّه بن مسعود - که یکی از کُتّاب وحی است - می‌گوید یک وقت پیغمبر اکرم به من فرمود که مصحف را باز کن برای من بخوان. من مصحف خودم را آوردم. از اول سوره نساء شروع کردم به خواندن، پیغمبر اکرم گوش می‌کرد تا رسیدم به این آیه که: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً»<sup>۱</sup> یعنی «چگونه خواهد بود آنگاه که برای هر امتی گواهی بطلبیم و تو را بر اینها گواه بطلبیم». تا این را خواندم دیدم که چشمهای مبارک پیغمبر پر از اشک شد و فرمود:

«حَسْبُكَ هَذَا» دیگر بس است.

در روایات خودمان درباره امام سجاد و امام باقر هست که اینها قرآن را آنچنان با آهنگ خوش و زیبا از داخل منزل و با صدای بلند می‌خواندند که صدایشان به بیرون منزل منعکس می‌شد و مردمی که از کوچه می‌گذشتند به واسطه زیبایی و خوشی این آهنگ می‌ایستادند. بعد پشت خانه امام را نگاه می‌کردند می‌دیدند مردم داخل کوچه ایستاده‌اند دارند گوش می‌کنند و حتی نوشته‌اند آنقدر این صدا زیبا و جذاب بود که سقاها در حالی که مشکهای سنگین را به دوش می‌کشیدند و می‌آمدند عبور کنند، با همان مشکهای پر از آب می‌ایستادند که گوش کنند.<sup>۱</sup>

این هم یکی از جنبه‌های زیبایی قرآن است: تحمل پذیری‌اش برای آهنگ، آنهم آهنگهای مختلف.

### سخن طه حسین

طه حسین در همین جا مخصوصاً این آهنگهای مختلف را به تناسب موضوعات مختلف [گوشزد می‌کند] چون آیات قرآن همه یک جور نیست؛ آیات طویل داریم، آیات قصیر داریم، آیات شدید داریم، آیات آرام داریم. بعضی آیات، آیات خاصی است، به یک لحنی و با یک کلماتی بیان شده است که انسان احساس می‌کند این کلمات را آرام آرام باید بر قلب خودش تلقین کند، آیاتی که می‌خواهد تذکر و موعظه را به وجود بیاورد؛ مثلاً: «کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ»<sup>۲</sup> کتابی بر تو نازل کرده‌ایم، کتابی پر برکت و میمنت که آیات آن را تدبیر کنند و صاحب‌دلان متنبه گردند. ببینید! آیه‌ای که دعوت به تدبیر و تذکر می‌کند و می‌خواهد فکر را وادار به اندیشیدن کند، می‌خواهد دل را بیدار کند، با یک بیان نرم و ملایم و آهسته‌ای آمده است. آهنگی هم که این آیه می‌پذیرد یک آهنگ مخصوصی است

۱- مدینه آن وقت چاه آب داشته و معمولاً برای خانه‌ها سقاها آب می‌آوردند. بعد هم که در زمان مروان حکم نهر جاری کردند دو سه جای مدینه را دهانه نهر یعنی محل آب برداشتن ایجاد کردند که از آنجا آب می‌آوردند. دیگر آب جاری در ظاهر مدینه نبود یعنی در کوچه‌ها آب جاری نبود، آب در زیر جاری بود، از نقطه‌ای در شمال مدینه چشمه را خارج کرده بودند ولی چند جای مدینه را کنده بودند و دهانه و پله درست کرده بودند که وقتی می‌خواستند آب بردارند از آنجا برمی‌داشتند. به هر حال آب منازل را به وسیله مشکها می‌رساندند.

که متناسب با هدف خودش است. یا این آیه: يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ<sup>۱</sup>

سبک این آیه به گونه‌ای است که از اول که انسان شروع به خواندن می‌کند، مثل آدمی که بالای سرسره است و خودش سُرمی خورد می‌رود پایین، اصلاً خود آیه این طور است، هیچ‌گونه ممانعتی در جلوی انسان ایجاد نمی‌کند، یعنی این قدر روان و سلیس است: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» خدا به این وسیله هدایت و راهنمایی می‌کند مردمی را که حقیقت‌جو باشند و رضای حق را بطلبند (نه دنبال هدفهای منحرف‌کننده باشند) راههای سلامت را، و آنها را از تاریکیها به سوی نور می‌کشاند و به راه راست هدایت می‌کند.

ولی یک سلسله آیات دیگر مخصوصاً آیات عذاب، آیات انذار و تخویف، به قول طه حسین آدم آن آیات را نگاه می‌کند، می‌بیند مثل صاعقه به سر انسان می‌بارد، با یک سَجْعهای کوتاهی، جمله‌های کوتاهی، مرتب یکی پشت سر دیگری می‌آید، که آهنگی هم که خوانده می‌شود یک آهنگ فشاردار و تندی است: وَ الطُّورِ. وَ كِتَابٍ مَّسْطُورٍ. فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ. وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ. وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ. وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ. إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ. مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ<sup>۲</sup>

وقتی عذاب را می‌خواهد ذکر کند، می‌خواهد روح را تحت تأثیر قرار بدهد، می‌خواهد مجال هر گونه فراری را از او بگیرد، می‌بینید با یک سَجْعهای خیلی کوتاه و با یک فشار شدید وارد می‌شود:

«وَ الطُّورِ. وَ كِتَابٍ مَّسْطُورٍ». اصلاً خود لحن کلام و همچنین آهنگی که باید با این کلام خوانده شود خیلی فرق می‌کند با آنجا که می‌گوید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ». یا مثلاً این آیات هم همین طور است:

وَ الدَّارِيَاتِ ذُرُوءًا. فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا. فَالْجَارِيَاتِ يَسَرًّا. فَالْمُفْسِمَاتِ أَمْرًا. إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ. وَ إِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ<sup>۱</sup>

۱- مائده/۱۶

۲- طور/۱-۸

قسمهای پی در پی با سجعهای خیلی کوتاه؛ ولی پشت سرش می‌بینید که عذاب پروردگار را ذکر می‌کند: قسم به این حقیقت، قسم به آن حقیقت<sup>۲</sup> که جزای پروردگار حقیقت دارد و وعده‌هایی که برای آینده به شما داده شده است همه آنها واقع است و همه آنها امر شدنی است.

پس آهنگ‌پذیری هم خود یک مطلبی است درباره قرآن مجید و خیلی عجیب هم هست. باز همین آقای طه حسین در این زمینه یک حرف خوبی می‌زند، می‌گوید از زمانی که رادیو پیدا شد، طرفداران کتابهای دینی و مذهبی و کتابهای ادبی - که طرفداران زیادی دارند، خواه تعصب داشته باشند و خواه نداشته باشند - علاقه‌مندند که اینها را به وسیله رادیوها پخش کنند و به گوشها برسانند. نه هیچ کتاب مذهبی در این جهت به پای قرآن رسیده است و نه هیچ کتاب ادبی توانسته است جای قرآن را در این جهت بگیرد. عبارتش این است:

پس از اختراع رادیو، پخش قرآن به وسیله خوانندگان خوش‌آواز در کشورهای اسلامی و کشورهای بیگانه‌ای که به منظوره‌ای سیاسی و غیر سیاسی برای مسلمین برنامه‌ای دارند فراوان گردید. اکنون قرآن در رادیوهای اروپا و آمریکا بیشتر برای آنکه شنوندگان از آواز خوانندگان لذت برند خوانده می‌شود «۱» لکن بسیاری از شنوندگان، آن را در درجه اول برای خودش و ثانیاً به خاطر آوازه‌ایی که در تلاوت آن است و طربی که در شنوندگان پدید می‌آورد می‌شنوند. گاه بعضی قسمتهای ادبی از زبانهای زنده در رادیو پخش می‌شود لکن هرگز پخش آنها مانند قرآن پیوسته و منظم نیست.<sup>۳</sup>

۱- ذاریات/۶-۶

۲- اغلب هم به این حقایق کونی قسم می‌خورد، که البته خود آن هم یک رمزی دارد. می‌خواهد با توجه به اینها آن مطلب را ثابت کند.

۳- آنهایی هم که روی منظوره‌ای دیگری پخش می‌کنند باز بالاخره دلیل بر مشتریهای آن است، دلیل بر این است که این برنامه مستمع دارد. اگر مستمع نمی‌داشت این قدر پخش نمی‌شد.